

**A structuralist study of the influence of the deviant thought of the Qur'an
on the historical event of the murder of Uthman bin Affan**

fatemeh sadat Alavi aliabadi¹ | bibi zeinab hosseini² | Alieh Rezadad³
(DOI): [10.22034/MTE.2022.13560.1625](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.13560.1625)

Abstract

Original Article
P 148 - 172

One of the most important and complex issues in the history of Islam is the historical event of the murder of Uthman bin Affan and the real reasons for it. This event has had a direct impact on various subjects of Islamic sciences.

The main hypothesis of this research is that the analysis of this historical incident, with the method of studying documents and evidence and the structuralist approach, shows a clear connection between his murder and the issue of Quran burning. The first consequence of this fundamental deviation and the idea of the Qur'an is sufficiency, is the degradation of the position of the prophets and, accordingly, the position of the Caliph of the Messenger of God (PBUH). The slogan "Hasbana Kitab Allah" and the fundamental deviation of the Qur'an, which greatly reduced the prestige and status of the Prophet (PBUH), caused a decrease in the respect of the Caliph of the Messenger of Allah (PBUH) in the eyes of a range of people who were part of the Qur'an themselves. Therefore, this spectrum, influenced by the order of Uthman to burn the Quran, which in their opinion was considered a desecration of the Quran, attempted to kill Uthman bin Affan.

Key words: Burning Mushafs, Osman, Expediency, Axis Tradition, Structuralist Attitude.

1 - General Department, Sisters Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiya Community, Mashhad, Iran. f_alavi@miu.ac.ir

2 -. Department of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran. zhosseini1400@gmail.com

3 - Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran. a.rezadad@cfu.ac.ir

Received: 2022/05/07 | Accepted: 2022/07/15



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان

فاطمه سادات علوی علی آبادی^۱ (نویسنده مسئول) | بی بی زینب حسینی^۲ | علیه رضاداد^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2022.13560.1625](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.13560.1625)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۷۲/۱۴۸

چکیده

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین موضوعات تاریخ اسلام، رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان و شناخت دلایل واقعی آن است. این رخداد، بر موضوعات مختلفی از علوم اسلامی تأثیر مستقیمی گذاشته است.

فرضیه اصلی این پژوهش این است که تحلیل این حادثه تاریخی، با روش مطالعه اسناد و شواهد و رویکرد ساختارگرا، نشان‌دهنده ارتباط روشنی بین قتل وی با مسأله قرآن‌سوزی است. نخستین پیامد این انحراف بنیادین و اندیشه قرآن‌بسندگی، وهن جایگاه انبیا و به تبع مقام خلیفه رسول خدا (ص) است. شعار «حسبنا کتاب الله» و انحراف بنیادین قرآن‌بسندگی که اعتبار و جایگاه پیامبر اکرم (ص) را به شدت کاهش داد، سبب کاهش احترام خلیفه رسول‌الله (ص) در نزد طیفی از مردم شد که خود بخشی از قاریان بودند. لذا این طیف، متأثر از دستور قرآن‌سوزی عثمان که از نظر ایشان هتک حرمت به قرآن تلقی می‌شد، اقدام به قتل عثمان بن عفان کردند.

کلیدواژگان: حجیت سنت نبوی، قرآن‌بسندگی، ساختارگرایی، عثمان، احراق مصاحف

۱ - گروه عمومی، مجتمع آموزش عالی خاوران، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران. f_alavi@miu.ac.ir

۲ - گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. zhosseini1400@gmail.com

۳ - گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.rezadad@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴



تبیین مسأله

تبیین صحیح از ساختار جامعه اسلامی در قرن نخست هجری و مسأله قتل عثمان بن عفان یکی از موضوعات تأثیرگذار بر حوزه‌های مختلف علوم اسلامی از جمله علوم قرآن، قرائات، فقه، حدیث و کلام اسلامی است. انحرافات بنیادینی که در سال‌های پس از رحلت رسول اکرم (ص) رخ داد و با انتقادات جدی بخشی از جامعه اسلامی روبه‌رو گردید، علت اجتناب‌ناپذیر بسیاری از رویدادهای مهم سال‌های بعد نظیر قتل عثمان بن عفان بود. انحرافات و تحولات بنیادینی که با اندیشه دینی در ارتباط بود، لیکن به دلیل سلطه سیاسی و فرهنگی امویان و عباسیان در طول قرون متمادی، در هاله‌ای از ابهامات، تناقضات و تحریف‌ها قرار گرفته است (جوزف، ۸۳). مهم‌ترین انحراف بنیادی که در واپسین لحظات عمر پیامبر اکرم (ص) به وقوع پیوسته و ریشه در نگرش خودمحور بشری در مواجهه با دین و وحی دارد، واقعه «قلم و قرطاس» یا «یوم‌الخمس» است. واقعه‌ای که در آن پیامبر اکرم (ص) فرمود: برای من قلم و کاغذ بیاورید تا برای شما وصیتی بنویسم که هرگز گمراه نشوید و عمر بن خطاب گفت: این مرد در حال هذیان گفتن است، کتاب خدا ما را کفایت می‌کند (عبدالرزاق صنعانی، ۴۳۸/۵؛ احمد بن حنبل، ۱۳۴/۵؛ بخاری، ۹/۶). این عبارت برآیند گرایشی بود که انحراف قرآن‌بسندگی را در میان مسلمانان رقم زد و تغییر ساختاری مهمی را در تمدن اسلامی موجب شد. این انحراف از سوی خلفای سه‌گانه نیز پیگیری شد؛ مهم‌ترین دغدغه عمر بن خطاب تجرید قرآن کریم از سنت نبوی بود^۱ که با اهتمام بسیار در سده نخست هجری در زمان خلفای ثلاثه و حکومت اموی - به ویژه در زمان حجاج بن یوسف ثقفی - دنبال شد.^۲ عثمان بن عفان نیز به عنوان وام‌دار اندیشه قرآن‌بسندگی، به عنوان خلیفه سوم متعهد گشت تا به سیره شیخین عمل کرده و راه آنها را ادامه دهد. انحراف بنیادی قرآن‌بسندگی، در درجه نخست سبب ترک سنت نبوی در جامعه اسلامی و به تبع آن سبب کاهش اعتبار جایگاه پیامبر اکرم (ص) و عدم حجیت سخنان وی شد؛ این اهانت و کنار گذاشتن سنت نبوی، در سالیان بعد، تنزل جایگاه خلیفه پیامبر اکرم (ص) را به همراه داشت و در نهایت به قتل خلیفه سوم توسط عده‌ای از مسلمانان منجر شد. اگرچه درباره قتل خلیفه سوم

۱ - قال عمر بن الخطاب: جردوا القرآن و ألقوا الروایة عنی النبی (ص) (ابن عساکر، ۲۳۰/۳۴)

۲ - صحابه، مصاحف را از همه چیز، حتی از نقطه‌ها تجرید کردند تا در زمان حجاج، این سبب اشتباه خواندن قرآن‌ها شد و دستور نقطه گذاری قرآن صادر گشت. (حاجی خلیفه، ۷۱۲/۱: ابوطالب‌مکی، ۸۶)

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در ۱۵۱۰۰

دلایل متعددی بیان شده، ولی این پژوهش بر آن است تا با مطالعه‌ای ساختارگرا، به بررسی نقش بنیادین انحراف قرآن بسندگی در قضیه قتل عثمان بن عفان بپردازد و دلایل ساختاری موثر در این جریان را ارزیابی کند.

ضرورت انجام این پژوهش از آن روست که قتل عثمان بن عفان مهم‌ترین حادثه در قرن اول هجری بود و بر موضوعات مختلفی تأثیر نهاد. نظیر:

* رویدادهای مهم تاریخی سال‌های بعد، مانند: جنگ‌های جمل، صفین، نهروان، واقعه کربلا و قیام‌های توابعین (خالدی، ۷۴).

* جریان‌های فرهنگی و منازعات کلامی شیعه و اهل سنت، تا قرن چهارم هجری (مقدسی، ۱/۳۹).

* اندیشه سیاسی پذیرش ولایت حاکم فاسق در بین اهل سنت (یعقوب، ۶۲۲).^۱
* تاریخ قرآن، حدیث، فقه و کلام. شاید بتوان مهم‌ترین تأثیر آن را مسأله پیدایش اختلاف قرائات دانست. موضوعی که اصالت نص قرآن کریم را به صورت جدی مخدوش می‌کند (سبحانی، جعفر، ۱/۷۶).

پیشینه

درباره عثمان، عوامل و انگیزه‌های قتل وی، ده‌ها عنوان کتاب و مقاله نوشته شده است. این پژوهش‌ها عمدتاً در سه بخش مطالعات اهل سنت، شیعه و خاورشناسان قابل طرح و بررسی است اما متأسفانه، هر سه گروه بیشتر به صورتی متکلمانانه موضوع را توجیه کرده‌اند.

از مهم‌ترین آثار با رویکرد تاریخی می‌توان از «الفتنه الکبری» اثر طه حسین، «ذوالنورین عثمان بن عفان» اثر عباس محمود عقاد و اثری دیگر با همین نام از محمد رضا یاد کرد. همچنین برخی تلاش کرده‌اند با رویکرد مطالعه تاریخی ساختارگرا این موضوع را بررسی کنند که از میان این آثار می‌توان به «العقل السياسي العربی» اثر محمد عابد جابری و «فتنه الخلافه» اثر محمد ابورحمه اشاره کرد که زیر بنای اقتصاد و یا سیاست را به عنوان عامل بنیادین قتل عثمان معرفی کرده‌اند (جابری، ۱۶۵؛ ابو رحمه، ۴۵). اما از زاویه دید تأثیرات اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در این رویداد، پژوهشی انجام نگرفته است.

۱ - منشأ این فتوای احمد بن حنبل بر وجوب پذیرش ولایت حاکم فاسق، به دنبال منازعات کلامی جدی درباره عدالت صحابه و عثمان بن عفان بود (پهوتی، ۲۰۲/۶)

روش پژوهش^۱

در این پژوهش از مطالعه تاریخی اسناد و شواهد با رویکرد ساختارگرا، جهت بازخوانی رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان بهره برده می‌شود. روش مطالعه اسناد و شواهد تاریخی، بیشتر زمانی استفاده می‌شود که در صحت گزارش‌های تاریخی تردید وجود دارد یا به وقایع تاریخی، از طریق گزارش‌های روایی دسترس نیست (هروی، ۱۱۳). شواهد تاریخی هر شاهد یا مدرکی است که بتواند قرینه یا دلیلی بر وقوع یک پدیده تاریخی باشد، مانند: اشیاء، ساختمان‌ها، کتاب، شعر و روایت (نورایی، ۱۸۱-۲۳۱). در این پژوهش مستندات و شواهد پژوهشی با رویکرد ساختارگرا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رویکرد ساختارگرا^۲ رویکردی است که پدیده‌ها را در یک حوزه به صورت یک کل منسجم با تأثیرگذاری متقابل در نظر می‌گیرد (گروهی از نویسندگان، ۳۵۳-۳۸۱). عناصر مختلفی مانند: سیاست، گرایش‌های فکری و اقدامات تاریخی در یک ساختار نقش خود را ایفا می‌کنند.^۳ رخدادهای تاریخی معمولاً دو علت دارند؛ نوع اول؛ علل معدّه، فوری و یا جرقه‌ها. و نوع دوم؛ علل ساختاری، بنیادین و ثابت.

امروزه، در مطالعات تاریخی بررسی نوع اول از علل، روش منسوخ است و از نظر مورخان معاصر، آنچه سبب یک رویداد می‌گردد، تحول اجتماعی است. نحوه تفکر مردم و اعمال ایشان، مهم‌ترین محرک و عامل حوادث تاریخی است و در مطالعه تاریخ باید ارتباط رویداد تاریخی با زیربناهای بنیادین، به ویژه فرهنگ و دین در نظر گرفته شود (هوفر، ۱۳۳ و ۲۶۱). بنابراین هر رویداد تاریخی را می‌توان از دو منظر نگریست؛ نخست منظر فردی، گذرا و جزئی که رویکرد مطالعه تاریخی سنتی است و دوم از منظر جمعی، کلی و پایدار که مرتبط با تحولات اجتماعی و همان رویکرد ساختارگرا است (کوثرانی، ۱۷۴؛ زکریا، ۱۵-۲۲). به عبارت دیگر، در تاریخ‌های غیرساختارگرا، در حقیقت افراد یا عوامل اند که مسیر تاریخ را مشخص می‌کنند، ولی در تاریخ

^۱ - روش پژوهش در این بخش به دلیل اهمیت و مداخلیت آن در تعیین مسیر پژوهش، مبسوط‌تر از آن چه متداول است، مطرح می‌شود.

^۲ - Structuralism

^۳ - نگرش ساختارگرا در تاریخ و جامعه‌شناسی، برآمده از دیدگاه‌های فردینان دو سوسور در زبان‌شناسی و کارل مارکس در اقتصاد و جامعه‌شناسی است. این نظریه، بسیاری از تئوری‌های موجود در علوم انسانی از جمله مطالعات تاریخی را متحول کرده است (کوثرانی، ۲۱۹).

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در ۱۵۳۰۰

ساختارگرا، ساختارها نقش تعیین کننده دارند (گروه روش شناسی و تاریخ نگاری، ۳۵۸-۳۵۹).^۱ روش شناسان مطالعات تاریخی بر این باورند، برای مطالعه بهتر تاریخ، ابتدا باید الگو و نظم آن جوامع را جستجو کرد تا علل ساختاری و بنیادین یک رویداد تاریخی تبیین گردد (استفورد، ۳۷۳). از این رو، در یک تحلیل تاریخی، باید ارتباط رویداد با حوادث محیطی، یعنی جریان های هم دوره و پیشین که دارای تأثیر قابل شناخت بر رویداد مورد نظر است، بررسی گردد (ضاحی، ۱۳۴).
مسأله قتل عثمان بن عفان، به دلیل قابلیت پیگیری این رویداد در حوادث و جریانات قرن نخست تا چهارم، به اذعان غالب مورخان، یک رویداد تاریخی است (ابورحمة، ۱۱؛ صلابی، ۴۹۵) و همچنین دیدگاه های مختلفی در شناخت علل و یا ساختارهای مؤثر در این رویداد از جانب اندیشمندان و مورخان، مطرح شده است. بنابر این، پژوهش حاضر، در مورد تحلیل رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان، روش اسناد و شواهد تاریخی با رویکرد ساختارگرا را به کار برده تا بتواند با سایر اجزا و ساختار این رویداد ارتباط برقرار کند و پاسخگوی ابهامات تاریخی مهم باشد.

۱- تحلیل ساختارگرایانه اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در قتل عثمان

در تحلیل ساختاری رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان، ابتدا لازم است، زیرساخت، یا زیربنا در جامعه اسلامی سده نخست هجری، تبیین گردد تا با تبیین آن و انحراف بنیادینی که در این زیر ساخت رخ داده، واقعه قتل عثمان بن عفان، به عنوان یک موضوع روبنایی مورد بررسی قرار گیرد.

^۱ -نگرش تاریخی ساختارگرا با تمام اهمیت و کارآمدی که در تبیین رویدادهای تاریخی دارد، دارای اشکالاتی نیز هست که مورد انتقاد برخی پژوهشگران واقع شده است. از جمله تقلیل نقش اراده انسان در رویدادهای تاریخی (یاری، ۱۱۲-۱۲۹) و یا عدم در نظر گرفتن تسلسل زمانی. زیرا مورخ در نگرش ساختارگرا به امور تغییرپذیر در گذر زمان محدود، توجهی نمی کند و بر امور ثابت در دوره های بلند مدّت تأکید می کند (تیمومی، ۳۶-۴۵؛ عباسلو، ۸۱-۸۷) لیکن در این پژوهش تلاش بر آن است، تنها ارتباط رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان با ساختارهای مرتبط با آن بررسی گردد و نقش اراده انسانی و زمان، نیز در حد امکان، در نظر گرفته شود.

۴-۱- ساختار زیربنا در جامعه اسلامی

در نگرش ساختارگرا، زیربنا عبارت از قوانین و ساختارهایی است که امور کلی، تحولات، نظم اجتماعی و ساختاری بر آن استوار است و بدون توجه به آن، نمی‌توان تفسیری صحیح از مسائل روبنایی داشت (پالمر، ۱۲؛ کوثرانی، ۲۱۹) و می‌تواند شامل مواردی مانند شرایط مادی از جمله: اقتصاد، کشاورزی، تولید، معادن، زراعت، تجارت و عادات عقلی از جمله: زبان، فنون، فلسفه، عقاید، شعایر دینی و عادات مادی از جمله: پوشش و سرگرمی‌ها و نیز نظم اجتماعی از جمله: حاکمیت، خانواده، ادارات و جنگ‌ها باشد (همان، ۱۷۲).

مطالعه ساختار زیربنا، امکان پیش‌بینی این نکته را فراهم می‌کند که الگو در صورت تغییر یکی از عناصرش، به چه صورتی، واکنش نشان خواهد داد (جوادی و نیک‌پی، ۱۷۷-۲۰۳؛ گروه روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ۳۶۸). جامعه‌شناسان و مورخان ساختارگرای مسلمان نیز، دیدگاه‌های مختلفی درباره زیربنای جامعه اسلامی سده نخست هجری داشته‌اند؛ ابن‌خلدون، قومیت و نژاد و برخی مانند ارکون و الجابری، اقتصاد را زیربنای ساختار تاریخ جامعه اسلامی دانسته‌اند (همان، ۳۴۲-۳۴۳؛ علال، ۱۶۵). ولی اسلام‌شناسانی چون رشیدرضا، شیخ محمد عبده و سید جمال الدین اسدآبادی شریعت امت اسلامی را زیربنای حوادث تاریخ اسلام برشمرده‌اند (عبدالحمید، ۲۲۸؛ مجموعه من الباحثین، ۲۵).

دقت در تاریخ تمدن اسلامی و نقطه شروع این تمدن و مراحل تاریخی شکل‌گیری آن، نشان‌گر زیربنای اندیشه دینی در شکل‌گیری ساختار تمدن اسلامی است (طحان، ۵۸۹-۶۵۷).^۱ باور به وحیانی بودن قرآن، حقانیت و صدق حضرت محمد(ص) در ادعای نبوتش، نقطه شروع تمدن اسلامی است؛ قرآنی که توسط پیامبر اکرم(ص) بر مردم خوانده شده و مجملات و متشابهات آن توسط وی برای مردم تفسیر شده است. این رسالت پیامبر اکرم(ص) بوده است که قرآن را برای مردم تبیین کند (نحل: ۶۴)^۲، پیامبر اکرم(ص) شریعت و منهجی را که خداوند برای جامعه اسلامی قرار داده بود، تبیین می‌ساخت و مردم در لایه‌لای مصاحف خود و یا در

^۱ - اگر چه این زیرساخت در حوادث تاریخ تمدن اسلامی، به عنوان مهم‌ترین و عمده‌ترین عامل بنیادین قابل بررسی است، لیکن در این پژوهش ادعا بر ثبات و عدم تحول زیر بناها و یا انحصار زیر بنا به دین نیست.

^۲ - «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا لَتَبِينَ لَهُمُ الدِّينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن‌بسندگی در ۱۵۵۰۰

صحیفه‌هایی جداگانه روایات وی را ثبت می‌کردند.^۱ غالب مسلمانان سخن وی را حجت و لازم‌الاتباع می‌دانستند؛ البته به جز عده معدودی که اساساً هیچ گزاره‌ای را از قرآن کریم و یا سنت نبوی نصّ نمی‌دانستند؛ به این معنا که همیشه احتمال وجود خلاف در گزاره‌های دینی را مجاز می‌دانستند و معتقد بودند پیامبر اکرم(ص) ممکن است اشتباه کند و یا سهوی مرتکب شود و یا دستورات او مربوط به شرایط خاصی بوده است و می‌توان به خاطر مصالح، عرف، رأی یا هر دلیل دیگری، برخلاف آن عمل کرد و یا آن دستور العمل را نادیده انگاشت(مؤسسه آل البیت، ۱۱/۲۲). در حالی که قرآن کریم، به صراحت بر حجیت سنت نبوی تأکید کرده است.^۲

حجیت سنت نبوی افزون بر دلایل قرآنی، تبیین عقلانی مهمی نیز دارد: قرآن کریم صورت نازل شده حقیقت عینی و خارجی است که آیات قرآن کریم، اعمّ از مواظ، اندرزا، قصص و احکام از آن نشأت گرفته و بدان مستند است، حقیقتی که مقوم و حیات‌بخش صورت الفاظ نازل شده آن است. حقیقتی که برای این الفاظ، مانند روح برای جسد است (طباطبایی، ۲۲/۳). این حقیقت را جز خداوند و پاکان -کسانی که در مرتبه وجودی خود با قرآن وحدت یافته‌اند- نمی‌دانند(واقعۀ: ۷۹). علم به مصلحتی که احکام برای آن وضع شده است و در فهم احکام و تفسیر قرآن کریم باید بدان توجه نمود، تنها در نزد پیامبر اکرم(ص) و امام معصوم(ع) است و غیر از ایشان را بدین علم دسترس نیست.^۳ بنابراین، ادامه حیات ساختار تمدن اسلامی در پیوندی ناگسستنی بین قرآن و اهل‌بیت(ع) نهفته(حاکم نیشابوری، ۱۶۰/۳) و توجه به تقلین، مهم‌ترین نکته در ساختار این زیربناست.^۴ جدایی قرآن کریم از آن مبین زنده و حاضر در جامعه، سبب

^۱ -حتی روایاتی وجود دارد که مسلمانان از نوشتن روایات به‌صورت مجزا از قرآن کریم نهی شده‌اند. مانند: «لا تتخذوا للحديث كرايس ككرايس المصاحف» (خطیب بغدادی، ۴۷) در حالی که برخی در زمان‌های بعد، این را حمل بر عدم جواز نوشتن حدیث در لابلای قرآن کرده‌اند (جلالی، ۳۲۲) که این معنی با ظاهر این روایت سازگاری ندارد.

^۲ -آیاتی چون: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹).

^۳ -بخش مهمی از اختلاف نظر امام علی (ع) با عمر بن خطاب و در سده بعد امام صادق(ع) با اصحاب رأی و در رأس ایشان افرادی چون ابوحنیفه، بر سر همین موضوع بود که مصلحتی که احکام برای آن وضع شده، توسط بشر قابل کشف نیست و این در علم شارع قرار دارد(امین، ۵۰/۱؛ ایوب، ۳۱۱/۱).

^۴ -پیامبر اکرم(ص) بارها می‌فرمود: «فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ لِمَنْ ثَقُلَ عَلَيْهِمَا أَمَّا إِن تَمْسِكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا! كِتَابُ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» معنای ریشه ثقل، به معنای سنگینی و مخالف سبکی است(ابن فارس، ۳۸۲/۱) مفهومی که پیامبر اکرم(ص) از ذکر واژه ثقلین اراده کرده است، دقیقاً همان بنیان و زیر بنایی است که در

می‌گردد تا این الفاظ حیات خود را از دست بدهند، جسدی بی‌روح و مبدل به ظواهری شوند که نه تنها سبب تزکیه و تطهیر جامعه نمی‌گردد، بلکه جامعه را به انحطاط و سقوط نیز می‌کشاند. بدین ترتیب ابزاری برای حاکمان فاسد می‌گردد تا برای اعمال قدرت از آن سوءاستفاده کنند. چنانکه در طول تاریخ اسلام بسیاری از خشونت‌ها و اقدامات غیر انسانی، مستند به آیات قرآنی مانند آیات جهاد صورت گرفته است. نمونه آن کشورگشایی‌هایی است که هم در صدر اسلام و هم در عصر حاضر توسط جریان‌های سلفی مانند داعش، بدون دلیل و مبنای شرعی و با عنوان جهاد ابتدایی و یا جهاد دعوت رخ داده و مشکلات بسیاری برای جهان اسلام به وجود آورده است. بنابراین، توجه به پیوند ناگسستنی قرآن و سنت نبوی و توجه به حجیت اقوال معصومان (ع) به عنوان مبین قرآن، زیربنای ساختار تمدن اسلامی است و جدا کردن قرآن، از عترت و مفسر آن، یک انحراف بنیادین در ساختار زیربنای تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه دینی به شمار می‌آید (احمدی میانجی، ۶۹۲/۳).

در ابتدای شکل‌گیری تاریخ اسلام یعنی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص)، انحرافی اساسی در این زیربنا صورت گرفت. قداست‌زدایی از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او (احمد بن حنبل، ۱۳۵/۵؛ صنعانی، ۴۳۸/۵) و ممنوعیت نقل و نگارش سنت نبوی (ابن کثیر، ۸/۱۱۵) از نخستین انحراف‌ها در تمدن اسلامی بود. عمر بن خطاب بر قرآن‌بسندگی تأکید کرد و حجیت سنت نبوی را نپذیرفت (همان). اقدامات وی در این زمینه، شروع یک انحراف بنیادین در ساختار جامعه اسلامی بود. بدین ترتیب گروهی به دستور عمر بن خطاب بر قداست قرآن متمرکز شدند (مزی،

اینجا مورد نظر است. زیربنایی که به هم پیوسته و درهم تنیده‌اند و جدایی آن امکان‌پذیر نیست، مگر آن که کارکرد آن یعنی هدایت مختل گردد.

^۱ - یکی از مهم‌ترین این اقدامات، رفتاری بود که با بضعة الرسول (ص) حضرت زهرا (س) صورت گرفت (صلاح الدین صفدی، ۱۵/۶؛ ابن ابی شیبہ کوفی، ۱۵/۶؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. گروه معارف و تحقیقات اسلامی، ۳۱-۲۸). این رفتار صرف نظر از حدود و ثغور اختلافی بین شیعه و اهل سنت، سبب گردید دیگر مخالفان به عقب بنشینند. و به نظر می‌رسد این اقدام، در اندیشه و سیاست عمر بن خطاب، یک حرکت استراتژیک بود که سبب تثبیت حکومت و اقدامات وی در جامعه اسلامی گردید. عمر بن خطاب نشان داد، آن چه برای وی اولویت بود، اجرای سیاست تثبیت قدرت حزب قریش و مصلحت اندیشی برای ایشان است و در این مسیر هر آن چه مانع بود را از سر راه بر می‌داشت و با کسی مسامحه نداشت. نمونه‌های مختلفی در مسأله حق مؤلفه قلوبهم، نظارت بر بازار، اجرای برخی حدود، ... در روایات وجود دارد (ر.ک. شرف الدین، ۱-۱۶۹).

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن‌بسندگی در ۱۵۲۰۰

۵۶۶/۲۳^۱ و گروهی در برابر این تقدس‌زدایی مخالفت خود را ابراز کردند. دو گروه یا طبقه در ساختار تمدن اسلامی بوده که همواره در تناقض مصالح قرار داشته‌اند و به همین سبب موجد رویدادهای تاریخی شده‌اند؛ طبقه سنت‌گرا و طبقه مصلحت‌اندیش^۲. طبقه سنت‌گرا همواره در امور مختلف، تبعیت از پیشوایان دینی یعنی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) را در اولویت قرار می‌دادند. اما مصلحت‌اندیشان همواره در تصمیم‌گیری‌ها، مصلحت عرفی، فردی یا اجتماعی را بر نصوص و سنت مقدم داشته، اساساً حجتی برای سنت نبوی قائل نبوده و یا آن را تأویل‌پذیر می‌دانسته‌اند. ایشان همان اصحاب رأی در سده نخست هجری بودند که در ساختار تاریخ اسلام می‌توان از ایشان تعبیر به مصلحت‌اندیشان کرد. عثمان بن عفان نیز از نظر گرایش فکری و دینی از بنیان‌گذاران کاربرد قیاس و رأی در فقه یا همان طیف مصلحت‌اندیش بود (عبدالستار، ۱۸۱). این در حالی است که فقها و سنت‌گرایان در اقلیت بودند (هدایت پناه، ۲۵).

بنابراین اگر بخواهیم با رویکرد ساختارگرا، قاتلان عثمان و انگیزه این قتل را شناسایی کنیم، ناگزیر باید به سال‌های قبل بازگردیم. زیرا تغییر و انحراف در این ساختار، می‌تواند نتایج قابل پیش‌بینی داشته باشد؛ مثلاً وهن جایگاه خلیفه رسول خدا (ص) به عنوان یک نتیجه اولیه برای این انحراف بنیادین، قابل پیش‌بینی است. نتیجه سیاست قرآن‌بسندگی عمر بن خطاب و تأکید بر قرائت قرآن کریم، نوعی از تقدس‌ظاهری بی‌مبنا برای قرآن کریم به وجود آورد^۳ و همان‌طور که در ادامه بیان خواهد شد، احراق مصاحف برای گروهی از مسلمانان با عنوان «قرأء» (قاریان) که بر

۱ - عمر بن خطاب در سخنی به قرظله بن کعب در مورد مردم کوفه می‌گوید: صدای قرائت قرآن مردم این شهر مانند زنبوران عسل به گوش می‌رسد. می‌آید آنان را از قرآن بازدارد!

۲ - اصطلاح مصلحت در اینجا به معنای مصلحت واقعی جامعه و یا مصلحت دینی و دنیوی جامعه اسلامی نیست، بلکه تنها منفعت و مصلحت مادی را شامل می‌شود. اصطلاح مصلحت، نامی است که خود این گروه بر دلیل نادیده گرفتن سنت نبوی قرار داده‌اند، مثلاً عثمان به ابن مسعود می‌گوید: از حکم وی در تحویل مصحفش برای سوزاندن به خاطر مصلحت تبعیت کند (ابن کثیر ۲۴۴/۷). ایشان وقتی تصمیم بر حکومت و کشورگشایی داشتند، به یقین می‌دانستند، این روش با سنت نبوی و سیره اهل بیت (ع) سازگاری ندارد. [پژوهش‌های فقهی جدید نشان می‌دهد، اساساً در فقه شیعه چیزی به نام جهاد ابتدائی وجود نداشته است (فخلی، ۱۳۸۶، صص ۱۱۷-۱۵۵)] نمونه این ناسازگاری را می‌توان در نادیده گرفتن حد شرعی در مورد خالد بن ولید سردار بزرگ توسط ابوبکر و حد مغیره بن شعبه، توسط عمر بن خطاب و حق مؤلفه قلوبهم،... دید (دروژه، ۴۷۴/۹؛ نقوی قایینی، ۳۷۳؛ ابن حزم، ۲۵۰/۱۱؛ مجلسی، ۴۷۱/۳۰). چون از نظر این خلفا، مصلحت اقتضا می‌کرد که این حدود اجرا نشود؛ چراکه ظاهراً با منافع مادی جامعه اسلامی منافات داشت.

۳ - توضیح آن که این التزام به قداست و احترام به قرآن، شکلی ظاهری داشت که گاه منجر به نفی آموزه‌های قرآن مبنی بر لزوم تبعیت از ولی امر می‌شد. همان‌طور که در جنگ صفین، خوارج برای پاره‌های قرآن بر سر نیزه، تقدس بیشتری از امر ولی امر زمان خود، یعنی امام علی (ع) قائل شدند.

اثر همین سیاست در کوفه به وجود آمده بودند، تحمل ناپذیر بود (طائی، ۲۰۰۳، ص ۳۸۰). بنابراین، شاید نخستین اثرات این انحراف در پیدایش گروهی به نام قرأء جلوهرگر شد که شعار «لا حکم الا لله» و جمود و تعصب بر ظواهر قرآن، از ویژگی‌های بارز ایشان بود. بخشی از ایشان در تاریخ اسلام، با نام خوارج شناخته می‌شوند (ابن حجر، ۴۵۱/۸؛ کورانی، ۳۸۳) و اگر چه بعضاً در گروه قاریان، فقها و اسلام‌شناسان بزرگ نیز بوده‌اند، لکن همواره در طول تاریخ اسلام، آسیب‌هایی برای جامعه اسلامی به بار آورده‌اند (هیثمی، ۲۳۷/۶).

از سوی دیگر هم به سبب اقداماتی که توسط عمر ابن خطاب در جهت قداست زدایی از مقام خلافت صورت گرفته بود و هم به واسطه اعمال سنت‌ستیزانه‌ای که توسط خود عثمان رخ داده بود، عملاً برای خلیفه سوم احترامی باقی نمانده بود، فلذا شرایط برای قتل وی آماده گردید. اگرچه بسیاری از مورخان و نویسندگانی که درباره قتل عثمان بن عفان پژوهش کرده‌اند به مسأله از بین رفتن احترام خلیفه و اقتدار وی، به عنوان یک عامل مهم در جرأت یافتن معترضان بر قتل عثمان اشاره کرده‌اند، اما در شناخت دلایل اصلی اضمحلال ناتوان بوده و آن را به کهولت عثمان، خسته شدن امت از وی، تسامح وی نسبت به سخت‌گیری و شدت عمر و ... نسبت داده‌اند (ابن عساکر، ۲۵۱/۳۹). اگر چه ممکن است این جنبه‌ها در جرأت یافتن مخالفان در اعتراض مؤثر باشد اما نمی‌تواند تبیینی قانع‌کننده، برای قتل عثمان به شمار آید (طه حسین، ۱۴۰).

۴-۲- تحلیل ساختار روبنای اندیشه انحرافی قرآن‌بسندگی و ارتباط آن با قتل عثمان بن عفان:

با دقت در مسأله قتل عثمان و نشانه‌های آن در روایات و نیز شواهد مرتبط به مسایل پس از قتل وی، علت اصلی و مهم مجازات خلیفه توسط مردم روشن می‌گردد. البته باید توجه داشت که این مسأله، به هیچ عنوان به معنای تأیید و مشروعیت بخشی به قتل عثمان نیست، بلکه باید آن را نتیجه اجتناب ناپذیر قداست زدایی از جایگاه حاکم جامعه اسلامی و نظریه قرآن‌بسندگی عمرین خطاب دانست. نصوص روایی مربوط به گفتگوی عثمان با مردم، نشان گر آن است که نخستین اعتراضات مردم به عثمان، مسأله سوزندان قرآن‌ها، تعطیل سنت نبوی (بالذری، ۵۵۲/۵) و سپس، تبعیض‌های اقتصادی و تصرفات حرام در بیت‌المال بوده است (امینی، ۲۸۶/۸). برخی از

۱ - برخی آن را محصول آزاداندیشی صحابه و برخی آن را معلول عدم ایهت عثمان دانسته‌اند (رضا، ۱۹۷؛ خطیب، ۷۹)، در هر صورت با آنچه بیان شد، روشن است جرأتی که نسبت به عثمان وجود داشته که نسبت به عمر وجود نداشته است.

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن‌بسندگی در ۱۵۹۰۰

این شواهد مربوط به نصوص هم‌زمان با قتل عثمان و برخی مربوط به سال‌های بعد است و می‌تواند مبین علل قتل عثمان باشد.

• توجه!

آنچه در این بخش طرح می‌شود به معنای انحصار تأثیر عامل انحراف قرآن‌بسندگی در قتل عثمان بن عفان نیست، بلکه هدف بیان تأثیر این مؤلفه در کنار سایر مؤلفه‌هاست؛ چرا که بی‌توجهی به آن، سبب بروز مشکلات متعددی در تاریخ قرآن و حدیث اسلامی شده است.^۱

مهمترین شواهدی که در تحلیل ساختار روبنای اندیشه انحرافی قرآن‌بسندگی و ارتباط آن با قتل عثمان مورد استناد قرار می‌گیرد، عبارتند از:

۴-۲-۱ روایات احراق مصاحف:

تقریباً در تمامی متونی که روایت‌گر قتل عثمان است، نخستین دلیل برای خشم و انتقام مردم از عثمان، مسأله تحریف، سوزاندن و محو کردن کتاب خداوند است. نظیر این‌که: عثمان گفت: چرا بر من خشم گرفته‌اید؟ گفتند: تو کتاب خداوند را سوزاندی! همچنین نصوصی وجود دارد که نشان‌دهنده نهی صحابه از قرآن‌سوزی و نتایج خطرناک آن است.^۲

در تحلیل رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان، هرگاه مورخان به مسأله قرآن‌سوزی عثمان می‌رسند، آن را با توجیه "رفع اختلاف قرائات و روایات با تأیید صحابه به‌ویژه امام علی (ع)"،

^۱ برخی تلاش کرده‌اند عامل خارجی و فتنه‌انگیزی سیاسی و دینی یهودیان و مسیحیان را در قالب مسأله داستان ساختگی عبدالله بن سبا در قتل عثمان مطرح کنند، افزون بر این که این فرضیه از جانب مورخان و محققان رد شده است، باید توجه داشت، اساساً مسیحیان و یهودیان با دستگاه خلافت تا قبل از خلافت امام علی (ع) مشکلی نداشتند. مهم‌ترین مشاور حکومتی عثمان بن عفان، کعب الاحبار یهودی بود که هیچ مجلس قضاوتی از وجود وی خالی نبود و علمای تازه مسلمان شده یهود در نقش مفتی و قاضی و قصه‌گو در جامعه اسلامی در حال فعالیت بودند. بنابراین به نظر می‌رسد، تأثیر این عوامل در پیدایش رویدادهای تاریخی، بدون در نظر گرفتن دلایل عقلانی و منطقی، نمی‌تواند تبیین کاملی از مسأله قتل عثمان به دست بدهد و این پژوهش تلاش بر تبیین علمی و عقلانی از این رویداد دارد.

^۲ قالوا نعمنا علیه انه محارق كتاب الله؛ ما الذى نقيم على؟ قالوا احرقت كتاب الله (ذهبی، ۳/ ۴۲۹؛ ابن عساکر، ۲۹/ ۲۴۹؛ بلاذری، ۵/ ۵۵۲؛ قتله اعمله لنه احرق كتاب الله (مفید، ۱۴۷) یا عثمان لاتكن اول من احرق كتاب الله فتكن اول من يراق دمه ذكر الثقفى فى تاريخه: ان اباذر لما رأى ان عثمان قد أمر بتحريق المصاحف قال له: يا عثمان لا تكن اول من احرق كتاب الله فيكون دمك اول دم يهراق (حلبی، ۲۶۳؛ مجلسی، ۲۷۱/ ۳۱؛ برخی باورند فعلی که ابوبکر و عمر انجام ندادند و عثمان انجام داد و به خاطر آن عقاب شد، همان سوزاندن قرآن بوده است (هیکل، ۹۳).

مشروعیت می‌بخشند و بی‌تأثیری این موضوع در قتل را بنا بر توجیه مذکور، امری مفروض عنه می‌گیرند. در حالی که پژوهش‌های علمی در رابطه با این اقدام عثمان، این توجیه را ناپذیرفتنی نمایانده است؛ زیرا روایات دال بر این موضوع، دارای اشکالات مختلفی از جمله ضعف سند، حلقه مشترک و شذوذ است و نمی‌توان به استناد آن، مسأله پیدایش اختلاف قرائات را عاملی در قرآن سوزی عثمان و موافقت امام علی (ع) با آن دانست.

جعل روایات برای توجیه اقدامات عثمان بن عفان در دو مقطع زمانی رخ داده است؛ ابتدا در سده نخست هجری توسط حکومت اموی و افرادی چون ابن شهاب زهری که او را خادم الامویین دانسته‌اند و دوم، از سده سوم تا پنجم هجری که به دلیلی بسیار مهم‌تر و بنیادی‌تر، یعنی مسأله اثبات عدالت صحابه بوده و توسط افرادی چون ابوبکر باقلانی صورت گرفته است. ابن شهاب زهری را قدیمی‌ترین منبع، در روایات مربوط به جمع‌آوری قرآن توسط عثمان و نیز قتل وی دانسته‌اند (ملحم، ۶۹) که خود نشان‌گر دو مسأله است؛ نخست، مقطع تقریبی زمانی پیدایش این روایات، به دلیل مشکل حلقه مشترک (ضحاک، ۱/ ۱۲۴؛ ناصحی، ۱۶۷-۱۹۰؛ غیب هرساوی، ۲۳۰-۱۷۹؛ دمقو، ۴۸) و دیگر، وجود منازعه بین موافقان و مخالفان عثمان در این گستره زمانی (کوثرانی، ۵۰). توجه به گرایش تند عثمانی در خلفای بنی‌امیه به ویژه معاویه و اطلاع از جعل گسترده احادیث فضایل و مثالب و حتی پرداخت پول و جایزه برای آن در این سده نیز، به روشنی کذب بخشی از این روایات را نشان می‌دهد (حسنی، بی‌تا: ۱۹۹). مثلاً روایاتی در اسباب نزول سوره عبس که در آن شخصی که به خاطر حضور فقیری روی ترش کرده، سرزنش می‌شود (عبس: ۳-۱۰). در روایتی، سبب نزول، عثمان بن عفان معرفی می‌شود که این عمل، با خلق اشرافی‌گری وی سازگاری دارد (فیض کاشانی، ۵/ ۲۸۴؛ صادقی تهرانی، ۳۰/ ۱۱۴) در مقابل نیز روایاتی وجود دارد که فاعل این عمل مذموم را پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌کند (ابن کثیر، ۳۲۰/ ۸) که به هیچ عنوان، با خلق و خوی پیامبر اکرم (ص) که خود فرد رنج‌کشیده و در دوران کودکی، طعم یتیمی را چشیده بود، سازگاری ندارد (ابن شهر آشوب، ۲/ ۱۲). از تأمل در روایاتی که در سده نخست تا چهارم هجری در فضایل و یا ردّ اتهام از عثمان بن عفان جعل شده، به روشنی می‌توان دریافت که توجیه و تطهیر چهره وی برای طبقه حاکم، هدفی بسیار مهم و حیاتی بوده است.

دومین مقطع زمانی مربوط به جعل روایات، جهت توجیه اقدامات عثمان، سده سوم تا پنجم هجری است. بعد از سده نخست هجری، به دلیل فعالیت‌های جدی صادقین (ع) و اصحاب

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن‌بسندگی در ... ۱۶۱

حدیث، افرادی از اهل سنت چون مالک بن انس، سفیان ثوری، شافعی و... از مذهب رأی و قیاس به اندیشه بنیادین حجیت سنت نبوی بازگشتند. لیکن بازگشت ایشان، به دلیل موقوف بودن حجم وسیعی از روایات فقهی، متوقف بر توثیق کلی و عمومی صحابه بود. زیرا غالب روایات فقهی اهل سنت در نهایت به جای آن که به پیامبر اکرم (ص) برسد، به صحابه می‌رسید؛ افرادی چون ابوهریره، ابن عمر، عایشه، ابن عباس و... اگر نظریه عدالت صحابه مخدوش می‌شد، فقه اهل سنت، آسیب جدی می‌دید، بنابراین لازم بود، عدالت صحابه به عنوان یک اصل کلی برای حجیت اقوال منسوب به ایشان پذیرفته شود. بنابراین، ابوزرعه رازی (م ۲۶۴) حدیث‌شناس و رجالی مهم اهل سنت در قرن سوم، حکمی کلی صادر کرد که؛ «هر کس که بر صحابی طعنی وارد کند، زندیق است». وی ادامه می‌دهد؛ «و این به خاطر آن است که ما به حقانیت پیامبر اکرم (ص) و قرآن باور داریم و قرآن و سنت نبوی را صحابه پیامبر اکرم (ص) به دست ما رسانده‌اند و ایشان با طعن بر صحابه می‌خواهند، قرآن و سنت را باطل کنند. و جرح سزاوار ایشان است و ایشان زناذقه‌اند» (مزی، ۹۶/۱۹). بنابراین نظریه عدالت صحابه در قرن سوم برای اثبات حجیت سنت نبوی و به‌ویژه وثاقت افرادی چون ابوهریره به وجود آمد. ولی در قرون چهارم و پنجم به دلیل طرح منازعات کلامی بین شیعه و اهل سنت، عدالت صحابه به جهت اقدامات خلفا، مورد انتقاد قرار گرفت. نظریه عدالت صحابه برای شیعیان، با وجود تصریح قرآن کریم به وجود منافقان در بین صحابه، پذیرفتنی نبود. از سوی دیگر، در همین مقطع زمانی، شیعیان به سبب قرآن‌سوزی بر عثمان خرده می‌گرفتند و این جریان اعتراضی منجر به مناقشه‌ای حل‌ناشدنی گشت. اعتراض شیعیان به عثمان، دقیقاً به خاطر قرآن‌سوزی و حذف سنت نبوی بود؛ باور به نظریه عدالت صحابه در بین اهل سنت نیز، دقیقاً برای حفظ سنت نبوی از نابودی و اضمحلال بود. اعتراض به اقدامات عثمان، مختص به شیعیان نبود و برخی از بزرگان اصحاب حدیث اهل سنت نیز در سده نخست و دوم هجری، نسبت به اقدامات وی معترض بوده و او را همچون حجاج می‌دانستند (ذهبی، ۳۷۰/۷). ولی در این زمان، نظریه عدالت صحابه، سبب گردید باب اعتراض به عثمان، برای همیشه در بین اهل سنت بسته شود و باور به عدالت صحابه و خلفای ثلاثه، به عنوان یک شعار دینی در تمامی فرق اهل سنت، قطعی قلمداد گردد. سوزاندن قرآن‌ها، آن هم برای حذف سنت نبوی، به هیچ‌وجه برای اهل سنت در قرن سوم هجری پذیرفتنی نبود و این اقدام عثمان، به توجیهی مقبول نیاز داشت. با توجه به پیدایش چالش جدی اختلاف قرائات در سده سوم هجری، سوزاندن مصاحف برای رفع اختلاف قرائات، ساده‌ترین توجیه بوده است. این

پاسخ توسط ابن ابی داود سجستانی، استاد ابن مجاهد - نخستین مدون قرائات سبع - برای نخستین بار در کتاب المصاحف طراحی شد؛ «ادْرَكَتُ النَّاسَ مُتَوَافِرِينَ جِئَ حَرَقَ عُثْمَانَ الْمَصَاحِفَ، فَأَعْجَبَهُمْ ذَلِكَ، وَقَالَ: لَمْ يُنْكَرْ ذَلِكَ مِنْهُمْ أَحَدٌ؛ قَالَ عَلِيٌّ فِي الْمَصَاحِفِ: لَوْ لَمْ يَصْنَعْهُ عُثْمَانُ لَصَنَعْتُهُ»... (ابن ابی داود، ۱۴۲۳: ۶۷) روایاتی که توسط او در این کتاب نقل شده در هیچ یک از جوامع حدیثی شیعه و یا جوامع حدیثی مقدم بر المصاحف ابن ابی داود سجستانی، در بین اهل سنت وجود ندارد. وی نویسنده‌ای کذاب و غیرقابل اعتماد بوده، که در زمینه سیاست‌های حکومت عباسی در رابطه با فرونشاندن اعتراضات شیعی به ویژه نسبت به عثمان بن عفان، تلاش بسیاری کرده تا اقدام قرآن‌سوزی عثمان را عملی مشروع و ضروری جلوه دهد. سلیمان بن اشعث، (م ۳۱۶) صاحب کتاب المصاحف از دشمن‌ترین افراد نسبت به شیعه بوده است (شوشتری، ۱۱/۳۱۵).

این پاسخ برای دفاع از مذهب اهل سنت و در کنار اصل عدالت صحابه مطرح شده است ولی بررسی تاریخی نشان می‌دهد، در سده نخست هجری، اساساً موضوع اختلاف قرائات وجود نداشته است که عثمان برای رفع آن اقدام به قرآن‌سوزی کند. روایات مؤید و مثبت این ادعا، در ابن‌شهاب زهری، مشکل تفرد سندی دارد (ابن ابی داود، ۸۸).

برای فهم صحیح اقدام تاریخی عثمان بن عفان در مورد قرآن‌ها و تبیین تأثیرات این اقدام در قتل وی، لازم است به پیشینه و دلایل تاریخی آن پرداخت. باید توجه داشت که نسبت خرق یا حرق مصاحف، درباره دو خلیفه، یعنی عمر و عثمان مطرح شده است.

عمر بن خطاب در مسیر مصلحت‌اندیشی و اندیشه فتوای به رأی، نقل و نگارش روایات فقهی نبوی را در قالب یک فرمان حکومتی ممنوع کرد. او به مسلمانان گفت صحیفه‌های حدیثی خود را بیاورند تا سندی واحد از سنت نبوی فراهم آورد. مردم صحیفه‌های حدیثی خود را آوردند و او پس از یک ماه تأمل، به خاطر ترس از آن که مجموعه فقهی مفصلی، مانند مشناه بهودیان به وجود نیاید، همه مصاحف حدیثی نبوی را سوزاند (ابن سعد، ۵/۱۴۳). ولی پروژه حذف نصوص فقهی، هنوز ناتمام بود. حذف روایات از لایه‌لای قرآن‌ها، پروژه‌ای تکمیلی بود که عثمان بن عفان، عهده دار آن گشت.^۱

^۱ دلیلی که نشان می‌دهد آنچه از مصاحف حذف شده، زیادات تفسیری و نصوص فقهی بوده است، گزارش‌هایی است که ابن ابی داود سجستانی از مصاحف صحابه می‌دهد. بیشتر این زیادات احکام فقهی مبتلا به مانند احکام

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن‌بستگی در ۱۶۳۰۰

پیش از این عمر بن خطاب، در زمان حکومت ابوبکر، مصحفی مجرد از نصوص روایی فراهم آورد که این مصحف به حفصه به ارث رسید (بخاری، ۱۸۳/۶؛ ابن حبان، ۳۶۰/۱۰) این یک پروژه آزمایشی و مقدماتی بود. در زمان حکومت عثمان بن عفان، توسط یک کمیته شش نفری از افرادی که نگرش فکری و سیاسی واحدی داشتند،^۱ مصاحفی از روی مصحف حفصه تهیه شد که به مصحف امام مشهور شد، شش مصحف که مردم بلاد مختلف، به قرائت آن مجبور شدند (سلیم بن قیس هلالی، ۲۱۱) و از آن با عنوان سیاست اجباری کردن مصاحف یاد کرده‌اند. بقیه مصاحف در یک اقدام رسمی جمع‌آوری و سوزانده شد (بخاری، ۱۸۳/۶). این اقدام، مورد انتقاد بسیاری از صحابه در مدینه‌النبی (ص) و عراق قرار گرفته است (ابن اعثم کوفی، ۳۹۱/۲). ابن ابی‌داود سجستانی، در کتاب المصاحف، ادعا می‌کند قرآن‌سوزی عثمان بن عفان مورد تأیید همه صحابه بوده است (ابن ابی‌داود، ۶۷)؛ در حالی که مستندات بسیاری، حاکی از اعتراض جدی مسلمانان، نسبت به این هتک حرمت به قرآن است (ابن شبه، ۱۰۰۵/۳؛ ابن ابی شیبۀ، ۶۸۵/۸) و در مطالعه تاریخی رویداد قتل عثمان بن عفان، نمی‌توان به این مستندات بی‌توجه بود.^۲

نکاح، حج، جهاد، ... بوده است (ابن ابی‌داود، ۱۵۹-۲۴۳). همچنین مصحفی که امام علی (ع) در مقابل تجرید مصحف توسط عمر بن خطاب فراهم کرد، مشتمل بر احکام فقهی مورد نیاز مردم، حتی دیه خراش بود (صفار، ۱۴۳).

^۱ این کمیته متشکل از زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر، عبدالرحمن بن حارث، عبدالله بن عمرو بن عاص و ابن عباس بود که همه از قریش بوده‌اند (رامیار، ۴۱۹).

^۲ ابن ابی‌داود سجستانی کتاب المصاحف خود را در اواخر قرن سوم هجری نگاشت. او یک سنی متعصب و ضدشیعه بود. سلیمان بن اشعث، (م ۳۱۶) صاحب کتاب المصاحف (ابن ندیم، ۳۲۴) و من اشد النصاب (شوشتری، ۳۱۵/۱۱)؛ «سمعتُ أبا داود السجستاني يقول ابني عبد الله هذا كذاب (ابن عدی، ۴۳۶/۵)؛ ومن البلاء أن عبدالله يطلب القضاء»؛ در اصفهان به خاطر ناصبی بودن تهدید به قتل شد، در آنجا از ناصبی بودن خود تبری جست که البته طبری معتقد است این تبری، از سر ترس بوده است. وی به نقل روایات منفرد و بدون منبع و کتاب، شهرت داشته است (ذهبی، ۴۳۲/۲). او با دستگاه خلافت در ارتباط بود و خلیفه عباسی به وی کرسی تدریس در بغداد داده بود. همچنین یکی از منابع علم قرائات ابن مجاهد بوده است. (خطیب بغدادی، ۴۷۱/۹) (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۳۱۵) در این زمان، شیعیان قدرتی نسبی در منطقه عراق و فارس یافتند و این قدرت نسبی فرصتی برای طرح اعتراضات تاریخی فراهم آورد که تا آن عهد، به دلیل سلطه سیاسی و دینی بنی‌امیه و بنی‌عباس، شیعه فرصت طرح آن را پیدا نکرده بودند (یعقوبی، ۴۱). اگر چه در مدارک صحیح شیعه و اهل سنت در این زمان، از اعتراضاتی که وجود داشته، به ویژه در مورد قرآن‌سوزی عثمان بن عفان و قرآن علی (ع)، سخن بسیار است (نک؛ حسینی و ایروانی، صص ۱۷۵-۱۹۵)، ولی در هر صورت، در این مقطع زمانی، اعتراضات جدی برخی دانشمندان شیعه نسبت به نادیده گرفتن قرآن علی (ع) و تحریق مصاحف عثمان قابل

در تحلیل این حادثه تاریخی مهم، اعتماد به کتاب المصاحف ابن ابی داود که با انگیزه سیاسی و توسط نویسندۀ ای ناصبی و دروغ‌گو نوشته شده،^۱ خطای آشکاری است که قرآن پژوهان، در مطالعات تاریخ قرآن مرتکب شده‌اند. جالب آن که ابن ابی داود، فصلی گسترده در باب احکام حرمت مصاحف قرآن کریم ذکر می‌کند؛ مانند این که جایز نیست قرآن بر زمین گذاشته شود یا پاها را به سمت قرآن دراز کرد یا قرآن را به سرزمین کفار برد و ... (ابن ابی داود، ۴۴۸) ولی ناگهان در پایان کتاب می‌گوید: اگر از نسخه‌های قرآن بی‌نیاز شدیم، سوزاندن آن اشکالی ندارد، چون آب و آتش مخلوقاتی از مخلوقات خداوند است (همان، ۴۶۶).

روایات این کتاب اشکالات متعددی مانند حلقه مشترک راوی، شذوذ، تناقض با رویدادهای تاریخی دارد (رامیار، ۴۳۳؛ ناصحی، ۱۶۷-۱۹۰) که روایات آن را غیرقابل اعتماد می‌کند. همچنین اگر مسأله رضایت صحابه از اقدام عثمان، از سوی منابع دیگر پیگیری شود، نتیجه‌ای کاملاً متفاوت به دست خواهد آمد که حاکی از اعتراض و نارضایتی جدی صحابه بر قرآن‌سوزی عثمان و حذف اجباری نصوص روایی از مصاحف ایشان است.

۴-۲-۲- بهره‌گیری عثمان از قرآن برای دفاع از خود در صحنه قتل

یکی دیگر از شواهدی که نشان‌گر عامل اصلی اعتراضات مردم بر عثمان بوده است، مسأله قرآنی است که عثمان به جهت صیانت از خود در مقابلش قرار داده بود و معترضان را به آن قسم می‌داد: «کتاب الله بینی و بینکم». برخی از معترضان با این قسم از او دور شدند، ولی برخی

مشاهده است (باقلانی، ۱/۱۳۳، ۲۹۳، ۳۶۲؛ مفید، ۴۱۷)، در پاسخ‌گویی به این اعتراض، بزرگان اهل سنت، چند پاسخ را مطرح کردند که کتاب ابن ابی داود بخشی از این پاسخ‌هاست. ابن ابی داود برای نخستین بار ادعا کرد: قرآن سوزی عثمان برای رفع اختلاف قرائات بوده است (ابن ابی داود، ۶۶). موضوعی که در سده سوم هجری در عراق، در مورد قرآن، تبدیل به یک چالش جدی در قرئت قرآن شده بود. این ادعا توسط ابن ابی داود، در روایاتی منسوب به ابن شهاب زهري مطرح شد که این اقدام مورد تأیید همه صحابه به ویژه امام علی (ع)، امام حسن (ع) و بزرگان شیعه بوده است (همان).

^۱ ذکر این روایت در ابتدای کتاب و آخرین روایت نشان می‌دهد که انگیزه تألیف کتاب، بیان تاریخ قرآن نیست بلکه توجیه علت قرآن‌سوزی عثمان بن عفان و جواز آن بوده است. «لما دخل المصربون علی عثمان رضی الله عنه - ضربه بالسيف علی یده فوقع علی فسيفکهم الله و هو السميع العليم [البقرة: ۱۳۷] فمد یده و قال: «و الله إنها لأول ید خطت المفصل». آخرین روایت: عن معمر ابن طائس عن أبيه أنه لم یکن یری بأساً أن یحرق الكتب و قال، إنما الماء و النار خلقتان من خلق الله تعالی.

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن‌بسندگی در ۱۶۵۰۰

گفتند: تو را چه به کتاب خداوند (طبری، ۳۸۸/۴). از این عبارت در بیشتر گزارش‌ها از صحنه قتل وی یاد و در همه گزارش‌ها، از مصحفی که خون بر آن ریخت، صحبت شده است (ابن سعد، ۷۴/۳؛ تمیمی، ۷۶؛ ابن شبة، ۱۲۸۵/۴؛ ذهبی، ۴۵۶/۳). این که وی از نیروی نظامی یا هر ابزار دفاعی دیگری مانند شمشیر، حایل و... استفاده نکرده است، نشان‌گر آن است که وی، ویژگی قداست قرآن را به عنوان عاملی برای حفاظت از خود در برابر معترضان می‌شناخته است. لذا همین موضوع می‌تواند به عنوان شاهی تاریخی به کار آید؛ نخست این که نشان‌گر اهمیت قرآن در شکل‌گیری اعتراضات باشد و دیگر آن که قداست قرآن را در نزد معترضان بیان کند. در غیر این صورت، میانجی ساختن و قسم به قرآن برای محافظت از خود در مقابل اراذل و اوباش و یا فتنه‌گران، معنایی ندارد و خود، وهن به قرآن است و دست‌کم عملی خردمندانه نیست.

۳-۲-۴ شعار قرآن‌بسندگی در ماجرای حکمیت صفین

یکی دیگر از شواهد تاریخی که نشان‌گر عامل اعتراضات علیه عثمان بن عفان است، مسأله‌ای است که سال‌ها بعد در واقعه صفین رخ می‌دهد. عمرو بن عاص، مشاور زیرک معاویه، در آستانه شکست لشکر معاویه، برای تغییر نتیجه جنگ، از شعار "لا حکم الا لله" بهره برد که به وضوح نشان‌گر قرآن‌بسندگی است (منقری، ۴۹۰). علت به کارگیری این حيله، پیشینه تاریخی کارکرد احترام‌انگیزی قرآن، در رویدادهای سیاسی بوده است. ولهاوزن به این مسأله در کتاب خود اشاره کرده است و چنین می‌گوید: «این حيله عمرو بن عاص، از پیش دارای سابقه‌ای بوده است» (ولهاوزن، ۳۱). پیش‌بینی عمرو بن عاص، از کارکرد احترام‌انگیزی قرآن در نزد قاریان، درست از آب درآمد و نتیجه جنگ صفین را در آستانه پیروزی سپاه امام علی(ع)، به نفع لشکر معاویه تغییر داد. دقت به قدرت عملیاتی و استراتژیک احترام به قرآن کریم در جنگ بسیار ضروری می‌نماید؛ تأثیر قرآن در جنگجویانی که در هنگامه جنگ، جز به پیروزی و غلبه بر دشمن به چیز دیگری نمی‌اندیشند، تا چه اندازه بوده است که توانسته نتیجه جنگ را تغییر بدهد؟ در اینجا است که باید پرسیده شود آیا ممکن است افرادی که به خاطر قرآن، دست از جنگ کشیدند، در برابر قرآن‌سوزی خلیفه سکوت کرده باشند؟

شاهد تاریخی دیگری در همین مورد که میزان تأثیر قرآن‌سوزی را در قتل عثمان نشان می‌دهد، عبارتی است که قرآء در هنگامه سر دادن شعار "لا حکم الا لله" به امام علی(ع) گفتند. امام علی(ع) در هنگام اجرای این خدعه از جانب سپاه معاویه، از سپاهیان خواست به این نیرنگ

وقعی ننهند و کار را تمام کنند. او خود را قرآن ناطق خواند و از مردم خواست به جنگ ادامه دهند، ولی قاریان که برای خلیفه قداستی قائل نبودند و سخن وی را حجت نمی‌دانستند، نه تنها از جنگیدن سر باز زدند، بلکه حتی امام(ع) را تهدید کردند که اگر جنگ را متوقف نکند و مالک اشتر را برنگرداند، او را خواهند کشت؛ همان‌طور که عثمان بن عفان را کشته‌اند^۱ (منقری، ۴۹۰). این شاهد تاریخی به روشنی نشان می‌دهد که ایشان، علت قتل عثمان را بی‌احترامی وی به قرآن دانسته‌اند و خود را مجازات‌کننده او معرفی کرده‌اند.

نخستین آثار انحراف بنیادینی که سال‌ها پیش در حکومت اسلامی رخ داده بود، در قتل عثمان بن عفان، به صورت یک تغییر ساختاری، جلوه‌گر شد؛ پیدایش مسلمانانی که بر ظاهر قرآن کریم جمود و تعصب داشتند و برای مقام خلافت و عالمان به معنای آن، اعتباری قائل نبودند. لذا بدون دادگاه، اقدام به مجازات خلیفه کرده و حکم به ارتداد و اباحه و نهایتاً قتل وی دادند.

۱ یا علی ، أجب القوم إلى كتاب الله إذا دعيت إليه ، وإلا قتلناك كما قتلنا ابن عفان ، فوالله لنفعلنها إن لم تجبهيم . فقال لهم : ويحكم ، أنا أول من دعا إلى كتاب الله وأول من أجب إليه ، وليس يحل لي ولا يسعني في ديني أن أدعى إلى كتاب الله فلا أقبله ، إني إنما أقاتلهم ليدنوا بحكم القرآن فإنهم قد عصوا الله فيما أمرهم ، ونقضوا عهده ، ونبذوا كتابه ، ولكني قد أعلمتكم أنهم قد كادوكم ، وأنهم ليسوا العمل بالقرآن يريدون . قالوا : فابعث إلى الأشتر ليأتيك .

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در ۱۶۷۰۰

نتیجه

رویداد تاریخی قتل عثمان بن عفان، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پدیده‌های تاریخ اسلام در سده نخست هجری است که گزارش‌های بسیار متناقضی از آن در منابع تاریخی و حدیثی وجود دارد. تبیین نادرست از این رویداد سبب گردیده، شبهاتی در اصالت و اعتبار نصّ قرآن کریم به وجود آید.

از یک‌سو تغییر در ساختار اندیشه دینی و تقدس‌زدایی از جایگاه حاکم دینی و نفی حجیت گفتار ایشان و از سوی دیگر، تأکید بر قرآن‌بسندگی که نخستین‌بار توسط عمر بن خطاب به وجود آمد، آثار و پیامدهایی به وجود آورد که کشتن خلیفه سوم مسلمانان به واسطه قرآن‌سوزی را می‌توان، تنها بخشی از آن دانست.

در این رویداد تاریخی، پدیده‌ای با دو وجه نمایان شده است؛ از سویی احترام جایگاه خلیفه مسلمانان نادیده گرفته شده؛ از سویی دیگر، به واسطه قرآن‌سوزی، گناهی بخشایش‌ناپذیر از خلیفه سر زده است.

مطالعه اسناد و شواهد تاریخی با رویکرد ساختارگرا به روشنی نشان می‌دهد که یکی از عوامل بنیادین قتل عثمان بن عفان، قرآن‌سوزی و هتک حرمت به قرآن بوده است. روایاتی در این زمینه موجود است که نخستین عامل خشم مردم را حاصل از قرآن‌سوزی معرفی می‌کند. شاهد دیگر قرآنی است که عثمان برای اثبات حرمت آن و به جهت دفاع از خویش، آن در مقابل خود قرار داده بود و معترضان را به آن قسم می‌داد و گمان می‌کرد مانع از قتل وی می‌گردد.

شاهد دیگری نیز که نشان‌گر نقش سیاسی احترام به قرآن کریم در رویدادهای تاریخی است، موضوع بر نیزه کردن قرآن در قالب یک خدعه سیاسی و نظامی بود و میزان تأثیر احترام قرآن کریم را در نزد قرآء و مردم عراق در هنگام جنگ صفین می‌نمایاند و سرنوشت یک جنگ مهم را تغییر داد.

مستند دیگر سخنی است که خوارج، برای منع امام‌علی(ع) از جنگ با معاویه بر زبان آوردند که نشان‌گر علت قتل عثمان بن عفان نیز بود؛ این که اگر جنگ را با سپاهی که قرآن بر سر نیزه دارد ادامه دهد؛ او را همانند ابن‌عفان خواهند کشت.

و در نهایت؛ برخی نصوص، نشان‌دهنده عدم توافق صحابه با قرآن‌سوزی عثمان و هشدار به وی است. این روایات، قرآن‌سوزی را عاملی برای جرأت پیدا کردن مردم بر قتل خلیفه معرفی کرده است.

ساختار اندیشه دینی به مانند هر ساختار دیگری، به تدریج الگوهایی از روابط، نقش‌ها و قواعد را شکل می‌دهد. این الگوها سبب اصلاح ساختاری می‌گردد؛ به این معنا که هر ساختاری قابلیت برای ترمیم و اصلاح خود را داراست که از آن به خودسامان‌دهی تعبیر کرده‌اند. همان طور که گفته شد، در نگرش ساختارگرا، تغییر در یک ساختار، نتایجی قابل پیش‌بینی دارد. تغییر در ساختار اندیشه دینی و قداست‌زدایی و قرآن‌بستگی، دو نتیجه قابل پیش‌بینی در ساختار جامعه اسلامی ایجاد کرد. حذف نصوص از لایه‌لای قرآنی که در بین صحابه وجود داشت، جز با محو و نابودی مصاحف امکان‌پذیر نبود؛ یعنی ساختار اندیشه دینی بر پیوند عمیق بین "قرآن" و "سنت‌نبوی" استوار بود و جدا کردن این دو میراث دینی، آسیب مهمی در پی داشت. این آسیب، ایجاد نارضایتی در دو طیف از مردم بود؛ طیف سنت‌محور و طیفی که بر قداست قرآن تمرکز داشتند. بنابراین به نظر می‌رسد در کنار همه دلایل دیگر، مهم‌ترین دلیلی که منجر به قتل عثمان گردید، انحرافی بود که در ساختار اندیشه دینی، توسط عمر بن خطاب به وجود آمده بود و وقوع چنین رویدادی را قابل پیش‌بینی ساخته بود. قواعد و مناسبات حاکم بر اندیشه دینی، با مجازات عثمان بن عفان، سعی در اصلاح این انحراف ساختاری داشت. انکار اهل بیت(ع) و سنت نبوی - به عنوان جزو لاینفک قرآن - سبب آسیب زدن به احترام قرآن نیز شد. اندیشه قرآن‌بستگی به سان یک شمشیر دو لبه، از سویی سبب از بین رفتن احترام عثمان به عنوان خلیفه پیامبر اکرم(ص) شد و از سویی دیگر، سبب اعتراض علیه او به جهت بی‌حرمتی به قرآن گردید.

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در... ۱۶۹

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی داود، عبدالله بن سلیمان، المصاحف، قاهره: الفاروق الحديثه للطباعة و النشر، ۱۴۲۳.
۳. ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد، المصنف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹.
۴. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۱.
۵. ابن حبان، محمد بن حبان، صحیح ابن حبان، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۸.
۶. ابن حجر، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴.
۷. ابن حجر، احمد بن علی، فتح الباری، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۸. ابن حجر، احمد بن علی، الاصابه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۹. ابن حزم، علی بن احمد، المحلی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۰. ابن حنبل، احمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱.
۱۱. ابن شیه، ابن شیه نمیری، تاریخ المدینه، قم: دار الفکر، ۱۴۱۰.
۱۲. ابن عدی، الکامل فی الضعفاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۵.
۱۴. ابن فارس، احمد بن فارس، مقاییس اللغه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
۱۶. ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب، الفهرست، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۷. ابو رحمه، محمد، فتنه الخلافه، قاهره: مکتبه بورصه، ۲۰۱۳.
۱۸. ابوطالب مکی، قوت القلوب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
۱۹. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول (ص)، تهران: دارالحديث، ۱۴۱۹.
۲۰. استفورد، مایکل، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه علی صادقی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۵.
۲۱. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
۲۲. ایوب، سعید، معالم الفتن، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۶.
۲۳. باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، الانتصار للقرآن، بیروت: دار ابن حزم، ۲۰۰۱.
۲۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، دمشق، جامعه دمشق، ۱۴۲۲.
۲۵. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷.
۲۶. بهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
۲۷. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲.
۲۸. پالمر، دونالد، ساختارگرایی و پساساختارگرایی، ترجمه کرمانی، تهران: انتشارات شیرازه کتاب، ۱۳۹۵.
۲۹. تیممی، محمد بن احمد، المحن، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۲۰۰۶.
۳۰. تیمومی، اسماعیلی، هادی و مهران، تاریخ نگاری ساختارگرا، نامه تاریخ پژوهان، صص ۳۶-۴۵، ۱۳۸۵.

۱۷۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال دهم، شماره ۲۳، پاییز ۱۴۰۱

۳۱. جابری، محمد عابد، *العقل السياسي العرب*، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربيه، ۲۰۰.
۳۲. جلالی، سید محمد رضا، *تدوین السنه الشریفه*، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸.
۳۳. جوادی و نیک پی، محمد اسلم، امیر، ایده و مفهوم ساختارگرایی، معرفت فرهنگی/اجتماعی، ش ۳، صص ۱۷۷-۲۰۳، ۱۳۸۹.
۳۴. جوزف، نسیم یوسف، *المکتبه التاريخ منهج البحث التاريخی*، اسکندریه: دارالمعرفه الجامعيه، ۲۰۱۳.
۳۵. حاجی خلیفه، کشف الظنون، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱.
۳۷. حسینی و ایروانی، مطالعه تاریخی مراحل شکل گیری انگاره تواتر قراءات سبع، پژوهش های قرآن و حدیث، ش ۲، صص ۱۷۵-۱۹۵، ۱۳۹۷.
۳۸. حلبی، ابو الصلاح تقی بن نجم، *تقریب المعارف*، قم: انتشارات الهادی، ۱۴۰۴.
۳۹. حنفی، خالد محمد عبد الواحد، *اجتهادات عمر بن خطاب*، بیروت: دار ابن حزم، ۲۰۰۵.
۴۰. حیدری، کمال، *معالم التجريد الفقهي*، قم: دارفرقد، ۱۴۲۹.
۴۱. خالدی، محمد، *توابع الفتنة الكبرى*، اسکندریه: دارالعین، ۲۰۰۹.
۴۲. خربوطلی، علی حسن، *تاریخ العراق فی ظل الحکم الاموی*، مصر: مسربی، ۱۹۵۹.
۴۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، *تقیید العلم*، بیروت: دار احیاء السنه النویه، ۱۹۷۴.
۴۴. خلیلی، جواد جعفر، *من حیاة الخلیفه عثمان بن عفان*، بیروت: الارشاد للطباعه، ۲۰۰۰.
۴۵. دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحديث*، قاهره: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۱.
۴۶. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ اسلام*، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷.
۴۷. ذهبی، محمد بن احمد، *میزان الاعتدال*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۶۳.
۴۸. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹.
۴۹. رضا، محمد رشید، *تفسیر القرآن الکریم الشہیر بالمنار*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴.
۵۰. زکریا، فؤاد، *البنائیه و النزعه التاريخیه*، نشریه حولیات کلیه الأدب، ش ۱، صص ۱۵-۲۲، ۱۳۹۹.
۵۱. سبحانی، جعفر، *موسوعه طبقات الفقهاء*، قم: اعتماد، ۱۴۱۸.
۵۲. سجستانی، ابن ابی داود، *المصاحف*، قاهره: نشر فاروق، ۲۰۰۳.
۵۳. سلیم بن قیس هلالی، سلیم بن قیس، *اسرار آل محمد(ص)*، قم: دلیل ما، ۱۴۲۴.
۵۴. شرف الدین، السید عبدالحسین، *مؤلفوا الشیعه فی صدر الاسلام*، تهران: مکتبه النجاح، بی تا.
۵۵. شرف الدین، سید عبدالحسین، *اجتهاد در مقابل نص*، علامه، ترجمه علی دوانی، کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا.
۵۶. شوشتری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۳۷۸.
۵۷. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، قم: مکتبه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.

علوی و همکاران : مطالعه ساختارگرایانه تأثیر اندیشه انحرافی قرآن بسندگی در ... ۱۷۱

۵۸. صلابی، علی محمد، عثمان بن عفان، قاهره: دارالفجر، ۲۰۱۴.
۵۹. صلاح الدین صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۶۰. صنعانی، عبد الرزاق، المصنف، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳.
۶۱. ضاحی، فاضل جابر، محاضرات فی منهج البحث تاریخی، دمشق: تموز، ۲۰۱۶.
۶۲. طائی، نجاح، نظریات الخلیفه عثمان بن عفان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۳.
۶۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۰.
۶۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸.
۶۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، بیروت: دارالتراث، ۱۸۷۹.
۶۶. طحان، احمد، الحركات الاسلامیة بین الفتنة و الجهاد، بیروت: دارالمعرفة، ۲۰۰۷.
۶۷. طوسی، محمد بن حسن، النهایة و نکتها، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۲.
۶۸. طه حسین، الفتنة الکبری، مصر: دار المعارف، ۱۱۱۹.
۶۹. عباسلو، احسان، رویکرد ساختارگرا، نشریه کتاب ماه، ش ۱۸۴، صص ۸۱-۸۷، ۱۳۹۱.
۷۰. عبدالحمید، صائب، علم التاريخ و مناهج، بغداد: مرکز علمی العراقی، ۲۰۱۰.
۷۱. عبدالستار، شیخ، عثمان بن عفان، دمشق: دارالقلم، ۲۰۱۴.
۷۲. عبدالغنی، عبدالفتاح، البدور الزاهره: قاهره: دارالسلام، ۲۰۰۵.
۷۳. غنیم، عادل حسن، فی منهج البحث تاریخی، اسکندریه: دارالمعرفه الجامعیه، ۲۰۰۷.
۷۴. فخعلی، محمد تقی، تأملی درباره جهاد ابتدائی، نشریه مطالعات اسلامی، ش ۷۷، صص ۱۵۵-۱۱۷، ۱۳۸۶.
۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.
۷۶. کوثرانی، وجیهه، تاریخ التاریخ، اتجاهات، مدارس، مناهج، بیروت: مرکز الدراسات الاسلامی، ۲۰۱۲.
۷۷. کورانی عاملی، تدوین القرآن، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸.
۷۸. گروه روش شناسی و تاریخ نگاری، گفتارهایی در باب تاریخ نگاری و روش شناسی تاریخی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۳.
۷۹. گروه معارف و تحقیقات اسلامی، پاسخ به مقاله افسانه شهادت (یورش به خانه وحی)، گلستان قرآن، ش ۷۶، صص ۲۸-۳۱، ۱۳۸۰.
۸۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار الرضا، ۱۴۰۳.
۸۱. مجموعه من الباحثین، الطائفة صحوه الفتنة النائمة، امارات متحده عربی: المسار، ۲۰۱۱.
۸۲. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین (ع)، ۱۴۱۹.
۸۳. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳.
۸۴. مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۸۵. مقدسی ابو عبد الله، احسن التقاسیم، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱.
۸۶. منقری، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.

۱۷۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال دهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۴۰۱

۸۷. مؤسسه آل البيت، السنة النبویه و موقف الحکام منه، مجله تراثنا، قم: ش ۲، صص ۵۸-۱۱، ۱۴۱۱.
۸۸. ناصحی، محمد، نقش زهری در روایات اصلی جمع قرآن، حدیث پژوهی، ش ۱۶، صص ۱۹۰-۱۶۷، ۱۳۹۵.
۸۹. ولهاوزن، یولیوس، الخوارج و الشیعه، قاهره: دارالجليل، ۱۹۷۶.
۹۰. هدایت پناه، محمد رضا، بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۹۱. هوفر، بیتر تشار، تناقضات المورخین، ترجمه قاسم عبده قاسم، قاهره: فرق المشروع القومي للترجمه، ۲۰۰۶.
۹۲. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸.
۹۳. هیکل، محمد حسین، عثمان بن عفان، قاهره: مؤسسه هندای، ۲۰۱۳.
۹۴. یاری، یاسمن، تأثیر ساختارگرایی نسل اول و دوم، تاریخ نگاران مکتب آنال، ش ۳۶، صص ۱۲۹-۱۱۷، ۱۳۹۳.
۹۵. یعقوب، احمد حسن، المواجهه مع رسول الله، بیروت: الغدير، ۱۴۱۷.
۹۶. یعقوبی، محمد طاهر، شیعان بغداد، قم: شیعه شناسی، ۱۳۸۵.